

تیتراهای امروز

کمال خرازی بعد از دیدار وزیر مشاور
در امور خاور میانه انگلیس:

حرف‌های موریسون درباره اینستکس تکراری بود



صفحه ۲

گزارشی از آخرین وضعیت توسعه متروی
تهران؛ شهر دار باید به دنبال پول برود

قطار وعده‌ها

صفحه ۳

چگونه مسابقه جمعی مصرف متفاهرانه
باعث شکست تمام مصرف‌کنندگان می‌شود؟

سلفی‌بازندگان با خوشبختی

صفحه ۵

از «چرنوبیل» تا «ویکو»؛ چرا آمریکایی‌ها
به تحریف تاریخ علاقه دارند؟

دروغ‌های شیرین آمریکایی!

صفحه ۸

نیویورک تایمز:

ایران محاسبات آمریکا را دگرگون کرده است

۲۵۰ نماینده مجلس از سپاه پاسداران

برای سرنگون کردن پیمانده آمریکایی قدردانی کردند

حمایت ملی از اقدام انقلابی

عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس
در گفت‌وگو با «وطن امروز»:

پهپاد آمریکایی به مراکز مهم اقتصادی ایران سرک می‌کشید

صفحه ۲



کاخ سفید مفهوم «گفتمان اقتدار» را فهمید

نویسنده مؤمن

سازش، مذاکره و فراتر از آن، استراتژی تبدیل کردن آمریکا به دوست تا چه اندازه‌ای برای حیات جمهوری اسلامی ایران مضر و بی‌فایده خواهد بود. ضرر ۱۳۰ میلیون دلاری آمریکا از نابودی پهپاد گلوبال هاوک، افزایش قیمت نفت و عقب‌نشینی ترامپ از تهدیدات اولیه خود، تنها موارد و مصادیق شکست آمریکا در تحولات روزهای اخیر در خلیج فارس محسوب نمی‌شود. مهم‌ترین فایده‌ای که رشادت دلیرمردان سپاه پاسداران برای جمهوری اسلامی ایران داشت، ترجمه عینی «گفتمان اقتدار» برای سردمهران کاخ سفید، متحدان و مهره‌های آنها در منطقه بود. شلیک دقیقی که به پهپاد جاسوسی آمریکا نشست، برای درک عینی مفهوم عزت و اقتدار جمهوری اسلامی ایران از سوی ترامپ و اطرافیانش کفایت می‌کند.

از سوی دیگر، مطابق نظرسنجی اخیر صورت گرفته توسط دانشگاه کونینگی پیک در آمریکا، تنها ۳۷ درصد شهروندان آمریکایی سیاست خارجی حاکم بر این کشور را تأیید می‌کنند. رئیس‌جمهور آمریکا بشدت نسبت به اینکه «سیاست خارجی کاخ سفید» به پاشنه آشیل وی در رقابت‌های انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۲۰ تبدیل شود وحشت‌زده است. کاهش محبوبیت ترامپ در ایالات خاکستری و تعیین‌کننده‌های مانند فلوریدا، پنسیلوانیا، میشیگان و ویسکانسین به این نگرانی دامن زده است. در اکثر نظرسنجی‌های صورت گرفته در آمریکا، شهروندان معتقدند ایران، کره شمالی، چین و ونزوئلا به نمادهای شکست کاخ سفید در نظام بین‌الملل تبدیل شده‌اند. این قاعده درباره جمهوری اسلامی ایران بیشتر صدق می‌کند. در چنین شرایطی ترامپ چاره‌ای جز «تغییر وضعیت موجود» در حوزه سیاست خارجی خود ندارد. ماجرا به این نقطه ختم نمی‌شود! تغییر با اصلاح مسیری که ترامپ طی ۲ سال و نیم اخیر ضد ایران در پیش گرفته است، برای وی بسیار پرهزینه خواهد بود و حتی ممکن است طیفی از جنگ‌طلبان (که بیشتر آنها نومحافظه‌کار یا متعلق به جریان تی‌پارتی هستند) را از وی منفک سازد. بنابراین، ترامپ در بدترین نقطه ممکن سرگردان مانده است و «استمرار وضعیت

موجود» و «تغییر مواضع در حوزه سیاست خارجی» هر دو برای وی هزینه‌بر است. رئیس‌جمهور ایالات متحده در دامی که تار و بود آن را خود به همراه بولتون و پمپئو در تقابل با ایران یافته، گرفتار آمده است. هم‌اکنون بهترین فرصت برای ترامپ خواهد بود تا نتایج و عقوبت مواجهه با نظام و ملت ایران را به وضوح دریابد!

تلاش بی‌وقفه جان بولتون، مایک پمپئو و برایان هوک برای مقصر جلوه دادن جمهوری اسلامی ایران در ماجرای هدف قرار گرفتن پهپاد جاسوسی آمریکا راه به جایی نبرده است. دونالد ترامپ نیز در عرض کمتر از ۶ ساعت پیام تویتری خود مبنی بر تهدید ایران را ۱۸۰ درجه تغییر داد و از اشتباه فردی در این ماجرا سخن گفت؛ و ۲ روز بعد از ایران به‌خاطر اینکه هواپیمای سرنشین‌دار آمریکا را مورد هدف قرار نداده تشکر کرد؛ یک انفعال تمام‌عیار. در ماورای هیاهویی که در فضای رسانه‌ای و سیاسی آمریکا بر سر سرنگونی پهپاد جاسوسی این کشور در خلیج فارس به راه افتاده است، کارشناسان نظامی و امنیتی پنتاگون مشغول مرور محاسبات گذشته خود درباره قدرت مأمور پهپاد گلوبال هاوک (آر کیو-۴) همان دوربردترین پهپاد عملیاتی جهان هستند. آر کیو-۴ پهپاد بدون سرنشینی است با ۲ بال بلند بدون پس‌گرایی شبیه به بال یک گلایدر، که برای سوار شدن روی هوا و کاهش مصرف سوخت در ارتفاع بالا کاربرد بسیاری دارد؛ پهپادی که در منطقه رویه‌روی کومبارک استان هرمزگان، هدف آتش پدافند نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی قرار گرفت و سرنگون شد. برگزاری نشست فوق‌العاده میان اعضای کاخ سفید، اعضای مجلس نمایندگان و سناتورهای کنگره نشان می‌دهد کاخ سفید حتی در تعیین مختصات نقطه‌ای که امروز در آن قرار گرفته است ناکام مانده و از همین رو، دست‌پاچی خود را به سوی اعضای ارشد هر دو حزب سنتی آمریکا و متحدان سنتی واشنگتن در نظام بین‌الملل دراز کرده است.

رهبر حکیم انقلاب اسلامی ایران از مسائل منطقه‌ای و دفاعی کشور، به عنوان مسائل ناموسی یاد کرده‌اند. بدیهی است نه تنها جمهوری اسلامی ایران بر سر این موضوعات مذاکره‌ای با دشمنان قسم‌خورده نظام نخواهد کرد، بلکه تجاوز به حریم مقدس کشور را نیز با استناد به توانمندی‌های فراوان خود بدون پاسخ نخواهد گذاشت. از این رو اقدام فرورآفرین و شایسته‌خیر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به مثابه یک «سیلی ناموسی» بر صورت رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا قابل تشبیه است.

کنش و واکنش‌های صورت گرفته بر سر سرنگونی پهپاد جاسوسی آمریکا بر فراز آسمان ایران، در چارچوب «گفتمان اقتدار» قابل ارزیابی است. گفتمان اقتدار از نوعی پویایی و هوشمندی ذاتی برخوردار است. از سوی دیگر، نوع مواجهه دونالد ترامپ و تیم پرادعای اطراف وی در قبال موضوع سرنگونی پهپاد گلوبال هاوک نشان داد گفتمان

مخالفان سرخست آن بود ولی حتی نتوانست مانع عضویت کشورهای متعدد اروپایی در این نهاد چینی شود. اکنون استرالیا، آلمان، فرانسه، سوئیس، انگلستان، اتریش، فنلاند، ایتالیا، هلند، نروژ، اسپانیا، پرتغال، سوئد و چند کشور کم‌اهمیت‌تر اروپایی، به‌رغم مخالفت شدید و صریح ایالات متحده، به این نهاد مالی پیوسته‌اند. بلژیک، کانادا، اوکراین و جمهوری چک نیز در حال طی مراحل پیوستن به این سازمان هستند. قریب به اتفاق کشورهای آسیایی نیز طبعاً در کنار روسیه و ترکیه به عضویت این پیمان درآمده‌اند. نوعی هوشیاری فراگیر درباره تغییر مختصات رهبری اقتصادی جهان آینده در حال شکل گرفتن است. «حالا پس از توافق چین و روسیه مبنی بر کنار گذاشتن دلار از مبادلات مالی دوجانبه، ۲ روز پیش، روسیه با اتحادیه اروپایی نیز چنین توافقی را امضا کرده است.

همه این تحولات در حالی رخ می‌دهد که ما طی یک سال گذشته به مدت چندین ماه در کشورهای مهم هند و چین سفیر نداشته‌ایم ولی وزیر امور خارجه‌مان چند ملاقات خارج از عرف دیپلماتی با جان کری، وزیر اسبق خارجه آمریکا داشته است! حمت‌الله فلاحت‌پیشه، رئیس وقت کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی چندی پیش پس از بازگشت از سفر به سوریه گفت: «آقای بشار اسد در نشست با هیات پارلمانی ایران، تأکید داشت ایران در رأس همکاری اقتصادی سوریه است که با وجود این صحبت، جای گریه دارد که ما هنوز در سوریه رایزن اقتصادی نداریم!» این واقعیت تلخ هم وجود دارد که سهم ما از بازار هزار میلیارد دلاری ۱۵ کشور همسایه‌مان، فعلاً تنها ۲ درصد است! یعنی آمریکا را گذشت زمان دارد به خاک می‌مالد آقای روحانی! شما تنها کافی است دست از دامن آمریکا و نوجه‌هایش بردارید تا بیش از این بیینی اقتصاد را به خاک نمالید!

بودجه‌هایی که حیف شد!

حسن رضایی

نیابوریم و خلاصه! در شرایط حساس کنونی لازم است وحدت ملی به سختی بتن‌های قلب را کتور اراک، بلکه نفوذناپذیرتر باشد. در لزوم حفظ وحدت ملی و حمایت از دولت در شرایط فعلی شکی نیست ولی آیا دولت در مقابل، حداقل خود را متعهد به بهره‌گیری از نتایج آزمایشی که روی زندگی و کس و کار ما اعمال کرده، می‌داند؟! آیا با تمام این تفاسیر اگر کسی باز هم منتظر شکست ترامپ و مذاکره مجدد با دموکرات‌ها باشد، اساساً چیزی به نام «عقل» دارد و ما مجازیم مثلاً به خاطر حفظ وحدت ملی سکوت کنیم؟! پاسخ طبعاً کاملاً منفی است!

سفر اخیر آقای روحانی به تاجیکستان و شرکت در اجلاس سیکا- پس از شرکت در اجلاس شانگهای- اما می‌تواند نویدبخش شروع اصلاح روند سراسر خسارت و اشتباه گذشته باشد. در دنیایی که سرعت تحولات سیاسی بعضاً تنه به سرعت پیشرفت‌های علمی-تکنولوژیک می‌زند، تکیه یکسویه بر غرب و کدخدا نامیدن یک کشور همانقدر اشتباه است که سیاه نامیدن رنگ ماست یا خاموش خواندن خورشید در روز! ما برای فهماندن این مسأله به روسا و تحلیلگران مرکز بررسی‌های استراتژیک ۶ سال هزینه، زمان و خون دل صرف کرده‌ایم. چندی پیش در همین جا نوشتیم «چین در سال ۲۰۱۴ با تاسیس «بانک سرمایه‌گذاری زیربنایی آسیا»، عملاً استقلال خود از مدل‌های اقتصادی توصیه شده به وسیله بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول را اعلام کرد. روند کنونی تضعیف روزافزون اقتصاد آمریکا و مضللات اقتصادی ناحیه پورو، کارشناسان اقتصادی را به این نتیجه رسانده است که این نهاد مالی چینی در طول دهه‌های آینده، مرجعیت اقتصادی جهان را از موسسات آمریکاساز مانند بانک جهانی باز خواهد ستاند. آمریکا از ابتدای تاسیس این نهاد یکی از

زمان اما نشان داد واقعیات دنیای کنونی با نتایج آن بودجه‌های بی‌زبان چقدر فاصله داشته است! رئیس سابق مرکز خودش در کمتر از ۶ سال به این نتایج رسید: «مذاکره با آمریکا دیوانگی است»، «بینی آمریکا را به خاک می‌مالیم» و عجیب‌تر از همه اینکه: «مشکل اروپا این است که آمریکا را کدخدای ما داند!»

رسیدن به این نتایج در یک آزمایشگاه هشتاد و چند میلیونی انسانی اما طبعاً تفاوت روشنی با کاغذبازی در راهروهای مرکز بررسی‌ها داشت و هزینه‌هایش هم بسیار درناک‌تر از بودجه‌های بی‌زبان صرف شده در مرکز مذکور بود. حالا ۶ سال پس از شروع آزمایش، ارزش پول ملی به کمتر از یک‌سوم رسیده و تورم و نقدینگی افسار پاره کرده‌اند. روند کاهش ضرب جینی معکوس شده و زمان انتظار خانوار ایرانی برای خانه‌دار شدن از ۲۰ سال در ابتدای دولت روحانی به ۵۳ سال در سال ۹۷ رسیده است. قیمت سکه، گوشت، پراید، پوشک و... هم هر روز مثل هوای بهاری در تلاطم است. کدخداگرایی اما فقط شامل آدم حساب کردن «آمریکا و اروپا» و علف دانستن مابقی قطب‌های نوظهور قدرت در دنیای جدید نمی‌شد. تفکر مذکور در داخل مرزها هم تمایل وافری می‌خورد که «سیاست خارجی، شناخت دنیا را می‌خواهد؛ والله‌العظیم» متناسف بود که جامعه ایرانی با ۱۰ سال تأخیر به او فرصت داده تا کشور را به این مسیر صحیح و یگانه ببرد. «۱۰ سال پیش باید سیاست تنش‌زدایی با آمریکا را در پیش می‌گرفتیم». شاید اعتقادی به تکرر قدرت و آغاز تولد جهان چندقطبی نداشت، لذا لفظ کدخدا از زبانش نمی‌افتاد: «آمریکایی‌ها کدخدای ده هستند؛ با کدخدا بستن راحت‌تر است». من دقیقاً نمی‌دانم بودجه مرکز بررسی‌های استراتژیک در تمام آن سال‌ها خرج چه چیزی شده، گذر

یادداشت امروز

مختصات نظم جهانی در حال تغییر است؛ این شاید مهم‌ترین گزاره‌ای باشد که کارشناسان حوزه بین‌الملل طی یک دهه اخیر بر آن اتفاق نظر داشته‌اند. در میانه همین دهه مذکور اما ما دولتی در ایران داشته‌ایم که به نظم موجود به‌مثابه واقعیتی متصلب، آهنین و نفوذناپذیر نگریسته و تمام برنامه‌های کلیدی خود را بر مبنای همین مفروض اشتباه تدوین و اجرایی کرده است. سال ۹۲ حسن روحانی از مرکز بررسی‌های استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام آمده بود تا پس از قریب ۲ دهه ریاست بر این مرکز، بزرگ‌ترین برآورد اشتباه تاریخ حیات سیاسی خود را به افکار عمومی ایران ارائه کند. روحانی حرفی تازه و عجیب داشت! او اتفاقاً یگانه راه سعادت و توسعه کشور را در گرو پیوستگی با نظمی می‌دید که تمام آنگاه دنیا بر تزلزل آن تأکید داشتند! گره به باد زدن و خانه بر آب ساختن اما تقدیر محتوم آن روز جامعه ایرانی بود و روحانی با سه‌گانه «کدخدا»، «کلید» و «انچنان رونقی» با اختلاف رأی ناپلئونی، در میان تعجب ناظران سیاسی، نابلوارانه رئیس‌جمهور ایران شد. روحانی برنامه خاصی در داخل مرزها نداشت و تمام تمرکزش روی سیاست خارجی بود. قسم جلاله می‌خورد که «سیاست خارجی، شناخت دنیا را می‌خواهد؛ والله‌العظیم» متناسف بود که جامعه ایرانی با ۱۰ سال تأخیر به او فرصت داده تا کشور را به این مسیر صحیح و یگانه ببرد. «۱۰ سال پیش باید سیاست تنش‌زدایی با آمریکا را در پیش می‌گرفتیم». شاید اعتقادی به تکرر قدرت و آغاز تولد جهان چندقطبی نداشت، لذا لفظ کدخدا از زبانش نمی‌افتاد: «آمریکایی‌ها کدخدای ده هستند؛ با کدخدا بستن راحت‌تر است». من دقیقاً نمی‌دانم بودجه مرکز بررسی‌های استراتژیک در تمام آن سال‌ها خرج چه چیزی شده، گذر

www.vatanemrooz.ir

در شبکه‌های اجتماعی



@vatanemrooz

سلام وطن
۶۶۴۱۳۹۴۲

پیامک خوانندگان
۱۰۰۰۲۲۳۱